عوامل افزایش سن ازدواج و راهبردهای کاهش آن

پدید آورنده : عباس رجبی ، صفحه 41

اشاره:

ازدواج یکی از بهترین نیازهای آدمی است که دین مقدس اسلام به آن اهمیت فراوانی داده است و آن را از بهترین سنت های دینی شمرده که مایه برکات بی شماری است. از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی است، که این خود از نشانه های رحمت و بزرگی خداوند است.1 تشویق اسلام به ازدواج خصوصاً در سن جوانی، و کراهتِ اسلام از تجرّد و رهبانیت، در بسیاری از سخنان معصومین آمده است. آثاری چون بزرگداشت سنت پیامبر2، قرار گرفتن در ولایت و حمایت خداوند3، به خشم آوردن شیطان4، کامل شدن ایمان جوانان5، زیاد شدن روزی6، و مانند آن از برکات ازدواج، در کلام معصومین شمرده شده است. همچنین تأخیر در امر ازدواج در بعضی روایات مردود دانسته شده و تأکید شده است، هیچ چیز نباید باعث تأخیر انسان در ازدواج شود، حتی اگر فقر باشد.7 در روایتی مردان بدون همسر را سرزنش می کند و تجرد را سبب شرور شدن می داند8 و در روایت دیگر به کسانی که صاحب دخترند سفارش می کند در ازدواج دخترانشان تعجیل کنند، که در این جا متن کامل روایت را برای خوانندگان محترم عرضه می داریم:

قال الرضا علیه السلام: نَزَلَ جَبْرَئیل عَلَی النَّبِی صَلَی اللّه عَلَیْهِ وَآله فَقالَ: یا مُحَمَّد اِنَّ رَبَّکَ یُقْرِئُکَ السَّلامَ و یَقول: اِنَّ الاَبْکارَ مِنَ النِساء بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَی الشَّجَرِ فَاِذا اَیْنَعَ الثَّمَرُ فَلا دَواءَ لَهُ اِلاَّ اجْتِنابِهُ وَ اِلاّ اَفْسَدَتْهُ الشّمْس وَ غَیَّرَتْهُ الرّیحُ وَ اِنَّ الاَبْکارَ اِذا اَدْرَکْنَ ما تُدْرِکُ النِّساءَ فَلا دَواءَ لَهُنَّ اُلاّ الْبَعُولَ، وَ اِلاّ لَمْ یُؤْمِنَ عَلَیْهِنَّ الْفِتْنَةُ، فَصَعِدَ رَسُولَ اللّهِ صَلَی اللّه عَلَیْهِ وَآله الْمِنْبَرَ فَجَمِعَ النّاسَ ثُمَّ اَعْلَمَهُمْ ما اَمَرَ اللّه عَزَّوَجَلَّ بِهِ.9

امام رضا (علیه السلام) فرمود: جبرئیل امین بر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شد و عرض کرد: ای محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید: دختران و زنان باکره مانند میوه درختان هستند و همان طور که میوه وقتی می رسد، چاره ای جز چیدن ندارد، و الا تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد می کند، دختران و زنان باکره هم (وقتی به سن بلوغ و ازدواج می رسند) ، چاره ای جز ازدواج ندارند، و الا از گرفتار شدن به فتنه و انحراف، در امان نیستند. پس رسول خدا مردم را جمع کرد و به منبر رفت و پیام پروردگار عزیز و بلندمرتبه را به آنان ابلاغ کرد.

بنابراین از نظر اسلام تأخیر ازدواج امر نکوهیده ای است که مورد رضایت خدا نیست.

اما آن چه امروز در جوامع اسلامی، خصوصاً جامعه ما، در عمل دیده می شود، متأسفانه برخلاف سفارشات اسلام است و آمارها از بالارفتن سن ازدواج حکایت دارد. بنابر آماری که در روزنامه ها منتشر شده، میانگین سن ازدواج پسران از 24 سالگی و دختران از 18 سالگی در سال 75 به ترتیب به 26 و 22 سالگی در سال 80 رسیده است.10 در حالی که طبق آمار دیگری، میانگین سن ازدواج در پسران 33 و در دختران 28 سال می باشد.11

این افزایش بی سابقه سن ازدواج، مشکلات فراوانی به دنبال خواهد داشت. گرچه در این مقاله، مجال بررسی آن فراهم نیست، ولی فهرست وار به برخی مشکلات ناشی از این افزایش، می توان اشاره کرد. مشکلاتی چون: افسردگی و از بین رفتن نشاط در جوانان، مبتلا شدن به وسواس زیاد در انتخاب همسر، مشکل آفرینی فرزندان بزرگ و ازدواج نکرده در خانه، افزایش اضطراب و نگرانی خصوصاً در دختران، حالت بلاتکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی، ناامیدی و تصمیم به عدم ازدواج به خاطر کاهش میل به ازدواج، بی دقتی در انتخاب همسر خصوصاً در دختران، احتمال افزایش انحرافات، احساس سربار بودن در خانواده و ده ها مشکل از این قبیل که جوانان ما را که گران بهاترین ذخیره های کشورمان هستند، به چالش انداخته است.12

به همین دلیل بر همه مسئولان و دست اندرکاران مسائل اجتماعی واجب و لازم است به این مسئله به عنوان یک مشکل فوریتی نگاه کنند و تمام همت و تلاش خود را برای رفع آن مصروف نمایند؛ چنانکه قرآن، در آیه ای تمام مسلمانان را به یاری جوانان برای تسهیل امر ازدواج دعوت کرده است.13

عوامل افزایش سن ازدواج

کارشناسان امور اجتماعی عوامل زیادی برای افزایش سن ازدواج عنوان کرده اند که ما در این جا این عوامل را در سه بخش عمده، مطرح می کنیم:

الف) عوامل اجتماعی

زندگی اجتماعی گرچه یکی از ضروریات حیات انسان است، به طوری که بشر بدون اجتماع قادر به ادامه زندگی نیست، اما با این حال، اگر در برنامه ریزی و سیاست اداره جامعه، دقت کافی نشود، مشکلات زیاد به وجود می آید. یکی از عوامل افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی برمی گردد که در ذیل به چهار عامل آن اشاره می شود.

1ـ افزایش جرایم و آسب های اجتماعی

بالا رفتن جرایم و آسیب های اجتماعی مانند: اعتیاد، بی بندوباری، همسر آزاری، طلاق، روابط سرد همسران، دخالت اطرافیان و مانند آن نه تنها موجب از هم پاشیدگی خانواده ها شده است، بلکه باعث سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و سبب شده است که جوان امروز به ازدواج به عنوان عامل خوشبختی، نگاه نکند و سرنوشت خود را به کسانی که در دام این آسیب ها گرفتار شده اند، تشبیه کند.

2ـ تحصیلات دانشگاهی

طولانی بودن مدت تحصیلات دانشگاه و افزایش نسبت دختران به پسران (که طبق بعضی آمارها تنها 35/43 درصد کسانی که در کنکور شرکت می کنند، پسر هستند)14، سبب شد اولاً، اغلب پسران و دختران تا پایان تحصیلات و بعد هم تا به دست آوردن شغل، از ازدواج سرباز زنند؛ و ثانیاً، دختران به علت داشتن تحصیلات دانشگاهی حاضر به ازدواج با پسران پشت کنکور مانده نباشند و درصد بالایی از آنان بدون همسر بمانند، یا به ازدواج ناخواسته تن بدهند؛ چنانکه امروز شاهد این معضل هستیم.

3ـ عدم توازن جمعیت پسران و دختران آماده ازدواج در ایران

بنا بر برخی آمارها، جمعیت دختران در شرف ازدواج، یک میلیون و ششصد هزار نفر بیش از پسران آماده ازدواج است و این خود سبب می شود پسران در ازدواج رقابت نکنند و در نتیجه عجله ای نداشته باشند.15

4ـ به هم خوردن توازن دختر و پسر در روستاها

طبق آمارها، به علت مهاجرت پسران روستایی به شهرها برای جستجوی کار، جمعیت دختران روستایی آماده ازدواج دو برابرِ گذشته است.

ب) عوامل اقتصادی

یکی از عمده ترین دلایل تأخیر ازدواج از نظر جوانان، عوامل اقتصادی است. در یک گفتگوی ساده و خودمانی با جوانان، خصوصاً پسران، می توان به آسانی فهمید که علت نداشتن تمایل به ازدواج در اکثر آن ها برخوردار نبودن از شغل، مسکن و تهیه لوازم و ضروریات زندگی و جشن ازدواج است. در این بین خانواده های دختران هم مشکل تهیه جهیزیه را سد بزرگی برای ازدواج دخترانشان می دانند، خصوصاً خانواده هایی که چند دختر با فاصله های سنی کم، دارند.

بنابراین عدم توان اقتصادی کافی، انگیزه ازدواج جوانان را پایین می آورد و اجازه نمی دهد آنان در سن پایین ازدواج کنند. اما گاهی داشتن شغل مانع ازدواج می شود و آن در صورتی است که دختران شاغل شوند. بسیاری از دخترانی که شغلی برای خود دست و پا می کنند و مشغول به کار می شوند، رغبت خود را نسبت به ازدواج از دست می دهند. دلایلی که باعث کاهش میل آن ها به ازدواج می شود عبارت است از:

1ـ دختران وقتی شاغل می شوند، توان اقتصادی شان بالا می رود و به استقلال اقتصادی می رسند. از آنجایی که یکی از انگیزه های دختران برای ازدواج، نیاز اقتصادی است و از مجرد ماندن خود احساس سربار خانواده بودن دارند، با رسیدن به استقلال اقتصادی این انگیزه در آن ها از بین می رود و در نتیجه بسیاری از آنان رغبت چندانی به ازدواج ندارند. بنابراین دخترانی که به ازدواج به عنوان یک تکیه گاه اقتصادی نگاه می کنند، اگر با به دست آوردن شغل به منبع اقتصادی خوبی برسند، دلیلی برای ازدواج ندارند و تا مجبور نشوند، ازدواج نمی کنند. چنانکه وجود این عامل در زنان بیوه نیز بزرگ ترین مانع را برای تن دادن آن ها به ازدواج مجدد ایجاد می کند.

2ـ داشتن شغل از این جهت که هم منبع اقتصادی است و هم سرگرمی خوبی است که می تواند در انسان نشاط و شادی به وجود آورد، جایگاه خاصی در بین دختران دارد. گاهی علاقه به شغل در دختران چنان زیاد می شود که به خاطر ترس از از دست دادن آن، ازدواج نمی کنند و خواستگاران را به بهانه های مختلف رد می کنند. بنابراین شاغل شدن دختران یکی دیگر از انگیزه های ازدواج آنان که رها شدن از تنهایی و انس گرفتن به همسر است را ضعیف می کند و جانشین مناسبی برای ازدواج، نزد آن ها محسوب می شود.

3ـ دختری که شاغل است، معمولاً خواستگاران بیشتری نسبت به سایر دختران دارد. به همین خاطر از تأخیر انداختن ازدواج واهمه ای ندارد، زیرا شانس خود را برای ازدواج، حتی اگر سن او هم افزایش پیدا کند، زیاد می بیند.

بنابراین شاغل شدن دختر (بر عکس شاغل شدن پسر که سبب زیاد شدن انگیزه به ازدواج است) انگیزه او را نسبت به ازدواج کاهش می دهد. این عامل امروزه در کشورهای غربی تأثیر چشمگیری در کاهش رغبت دختران به ازدواج داشته و حتی بسیاری از دختران و زنان غربی به خاطر همین عامل، تا آخر عمر مجرد می مانند که خود می تواند سبب به وجود آمدن بسیاری از مشکلات اجتماعی و اخلاقی شود. در کشور ما نیز تأثیر شغل دختران در تأخیر ازدواج، گرچه مانند جوامع غربی نیست، ولی کمابیش دیده می شود و خطر گسترده تر شدن آن، وجود دارد.

ج) عوامل فرهنگی

گرچه کشور ما از فرهنگ غنی و کامل اسلامی برخوردار است، ولی به دلایلی چون نفوذ فرهنگ بیگانه و مانند آن، این فرهنگ کم رنگ شده و سفارش های اکید اسلام به تعجیل در ازدواج و کراهت از تأخیر آن، تا حدودی بین جوانان به فراموشی سپرده شده است. جوان ایرانی که در گذشته مهم ترین برنامه او در اولین فرصت ازدواج و تشکیل زندگی بود، امروزه دیگر چنین عقیده ای ندارد و حتی برخی زمان ازدواج را مخصوص میان سالی می دانند، و این احتمال وجود دارد که این فرهنگ مخرّب، گسترده و فراگیر شود.

به هر حال عوامل فرهنگی را می توان از سه جهت در تأخیر ازدواج مؤثر دانست:

1ـ منسوخ شدن ارزش های معنوی

منسوخ شدن ارزش های معنوی و جایگزین شدن ارزش های مادی، سبب شده بسیاری از جوانان به همه چیز، از جمله ازدواج ،رنگ و لعاب مادی بدهند و به جای این که کسب فضایل انسانی را هدف خود قرار دهند و ازدواج را عاملی برای نزدیک تر شدن به خدا و کامل شدن ایمان بدانند، در جمع مال دنیا و نمایاندن ظواهر فریبنده زندگی مادی، مسابقه بگذارند. این طرز تفکر همه چیز از جمله ازدواج را تحت تأثیر قرار می دهد. اما جوانی که دغدغه اصلی اش حفظ و کامل شدن ایمانش است، چون ازدواج را ایجاد کننده نیمی از ایمان می داند، تمام امکانات خود را برای به دست آوردن آن بسیج می کند.

2ـ آرمان گرا بودن جوانان

بعضی از جوانان امروزی، به علت خامی و نپختگی که هیچ تناسبی با زندگی پیچیده کنونی ندارد و نیز به علت عدم اعتماد به تجربه های والدین و قدیمی دانستن آن ها، از واقعیت های زندگی بی اطلاع مانده اند و در نتیجه نمی توانند درباره موضوعی چون ازدواج، واقع گرا باشند، بلکه آرمانی فکر می کنند و در عالم خیال پرواز می کنند. این طرز تفکر، یکی از دو پیامد منفی زیر را دارد: یا ازدواج نمی کنند و منتظر همسری آرمانی هستند و یا ازدواجشان مبتنی بر احساسات است که نتیجه آن شکست و سرخورده شدن از ازدواج است.

عوامل و راهبرهای کاهش سن ازدواج

برای مبارزه با معضل اجتماعی افزایش سن ازدواج، راه حل های زیادی وجود دارد که کمابیش از گذشته مطرح بوده و فراروی مسئولان و متصدیان کشور قرار داشته است. به نظر می رسد دیگر زمان دادن راه حل تمام شده و باید در مسیر عملی ساختن این راه حل ها قدم برداشت. تنها راه رهایی از این مشکل آن است که ملت و دولت دست به دست هم دهند و با برنامه ریزی های کلان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، برای رفع این مشکل بزرگ تلاش کنند. شاید نقطه آغازین و در عین حال بسیار مهم حل مشکل این باشد که ابتدا سعی کنیم تفکر و شناخت جوانان را عوض کنیم و آنان را از مادی گرایی و سطحی نگری، به معنویت و توجه به خدا و دین باوری، سوق دهیم. حال با توجه به عوامل افزایش سن ازدواج که در ابتدای مقاله بررسی شد، راهبردها و عوامل کاهش سن ازدواج را در همان غالب مطرح می کنیم:

الف) راهبردهای فرهنگی

همان طور که گفتیم، تغییر نگرش ها و شناخت های افراد، کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می کند، و هر تغییری بدون داشتن زیرساخت های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت. وظیفه مهم که از کارهای عمده در این حوزه است، بر عهده متصدیان امور فرهنگی مثل حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات، هنر و مانند آن است که باید در این راستا برنامه ریزی جدی داشته باشند. کارهایی که می توان در راستای این هدف انجام داد، از قرار زیر است:

1ـ ارزش دانستن تأهل

اگر تأهل و همسر داشتن به عنوان ارزش، و تجرد و مجرد ماندن، ضدارزش تلقی شود، همان طور که در روایات اهل بیت آمده،16 کمک زیادی به تغییر نگرش افراد نسبت به سن ازدواج می شود.

2ـ درجه بندی ملاک های انتخاب همسر

در فرهنگ دینی مهم ترین ملاک برای انتخاب همسر، ایمان و اخلاق است.17 و ملاک های دیگر از اهمیت کم تری برخوردار است. این در حالی است که در جامعه کنونی ما ملاک هایی چون مدرک، ثروت، پست و مقام و به طور کلی مظاهر مادی بیشترین اهمیت را دارد. به همین خاطر تمام تلاش جوانان این است که از هر راهی، امتیازات فوق را به دست آورند و از این طریق به مقبولیت اجتماعی کافی برسند. اما از آنجا که رسیدن به این ملاک ها زمان زیادی می طلبد، به ناچار از ازدواج در ابتدای جوانی محروم می شوند و به این طریق سن ازدواج افزایش می یابد. اگر مسئولین فرهنگی کشور، ارزش های واقعی را که ایمان و اخلاق در صدر آن است ترویج کنند، نه تنها سن ازدواج کاهش پیدا می کند، بلکه بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.

3ـ گسترش فرهنگ حجاب

در جامعه ای که فرهنگ حجاب حاکم باشد و رابطه با نامحرم طبق موازین شرعی باشد و از اختلاط های مضر و فسادانگیز بین پسر و دختر جلوگیری شود، زمینه ای برای ارضاء نامشروع نیازهای جنسی یافت نمی شود و در نتیجه تمتعات جنسی منحصر به خانواده و ازدواج می شود. همین امر باعث می شود احساس نیاز به ازدواج در جوانان افزایش یابد و آنان زودتر ازدواج کنند. اگر فرهنگ حجاب کم رنگ شود و پسران و دختران محدودیت زیادی در ارتباط با یکدیگر نداشته باشند، انگیزه آنان برای ازدواج کاهش می یابد و در نتیجه سن ازدواج بالا می رود، هم چنان که یکی از علل فرار جوانان غرب از ازدواج همین موضوع است، زیرا ازدواج را مانع آزادی بی حد و حصر خود می بینند.

4ـ گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی

اگر در جامعه، ساده زیستی و استفاده از حداقل امکانات مادی ارزش شود و یا حداقل این که ضدارزش نباشد، سن ازدواج کاهش پیدا می کند؛ اما اگر داشتن خانه و اتومبیل مدل بالا و امکانات مادی، ارزش شود و چشم و هم چشمی های زیان آور گسترش یابد، جوان امروزی ما ناچار است در پی تهیه آن وسایل باشد و تا آن را تهیه نکرده ازدواج نکند. در نتیجه از داشتن خانواده در سن جوانی، محروم می ماند.

5 ـ ازدواج در خلال تحصیل

همان طور که گفتیم یکی از عوامل افزایش پیدا کردن سن ازدواج، تحصیل است. اگر طوری برنامه ریزی شود که دانشجویان قادر باشند در خلال تحصیل، ازدواج کنند، سن ازدواج در بین این قشر که مهم ترین و حساس ترین بخش جامعه هستند، کاهش پیدا می کند.

این امر مشروط بر این است که خانواده ها اولاً اهمیت موضوع را درک کنند و متوجه این موضوع باشند که چه خطرهای بزرگی فرزندان دانشجوی آن ها را تهدید می کند و چه مشکلات روحی و روانی زیادی در اثر تاخیر ازدواج برای آنان به وجود می آید و ثانیاً با برنامه ریزی دقیق و با هماهنگی و کمک دانشگاه و دیگر نهادهای مربوطه، ترتیباتی بدهند که دانشجویان با حداقل امکانات بتوانند ازدواج کنند و در عین حال تحصیل خود را نیز ادامه دهند. جوان دانشجوی ما اگر امکان ازدواج داشته باشد، حتی به صورت ماندن در دوران عقد و نامزدی قبل از عروسی، هم از برکات مادی و معنوی ازدواج محروم نشده و هم با انگیزه بیشتری تحصیل را دنبال می کند. دانشجو اگر احساس کند آینده روشنی دارد و می تواند مسئولیت زندگی را که با ازدواج بر عهده او گذاشته می شود بر دوش بکشد، کم تر به دنبال فعالیت ها و برنامه های غیردرسی و حتی ضددرسی می رود و بلکه تمام سعی و همت خود را صرف بهتر کردن زندگی و بالاتر بردن سطح آن می کند.

ب) راهبرهای اقتصادی

همان طور که گفتیم عوامل اقتصادی از عمده ترین دلایلی است که جوانان برای تأخیر ازدواج خود مطرح می کنند. برای این که این عامل مهم را کاهش دهیم باید در دو جهت برنامه ریزی کنیم: 1ـ هزینه ها را حتی الامکان کاهش بدهیم. 2ـ منابع اقتصادی و تولید ثروت را برای جوانان فراهم کنیم. بنابراین راهبردهای زیر می تواند ما را در عملی ساختن دو هدف فوق یاری دهد:

1ـ کاستن از هزینه های اضافی

بسیاری از هزینه هایی که در زندگی می شود، اعم از هزینه های جشن عقد و عروسی، یا تهیه جهیزیه، مسکن و سایر لوازم زندگی، ضرورت زیادی ندارد و امکان حذف یا کاهش آن وجود دارد. اگر پسر و دختر و خانواده هایشان تصمیم بگیرند تمام هزینه های غیرضروری را حذف کنند و به حداقل امکانات اکتفا کنند، امکان ازدواج برای اکثر جوانان ما عملی می شود. این که جوانان ما یا خانواده هایشان این تصور و ایده را داشته باشند که در ابتدای زندگی باید از همه یا اکثر امکانات مادی برخوردار باشند و در برگزاری مراسم عقد و عروسی، هزینه های سنگینی بر یکدیگر تحمیل کنند، نتیجه ای جز فرار جوانان از ازدواج نخواهد داشت.

2ـ همیاری در هزینه های ازدواج

همان طور که خداوند همه مردم جامعه را به یاری جوانان برای ازدواج و تشکیل زندگی دعوت می کند، همه افراد، خصوصاً افراد متمول، وظیفه دارند در این امر خیر شرکت کنند. همچنین اگر ترتیبی داده شود که افراد نزدیک به خانواده پسر و دختر، به صورت یک رسم و عادت نیکو، قسمتی از هزینه های ازدواج را بر عهده گیرند، کمک بزرگی به تحقق این هدف می شود. این پیشنهاد گرچه ظاهر ساده ای دارد، ولی در عمل تأثیر شگفت انگیزی در هموار ساختن مسیر ازدواج جوانان دارد و چون این مشکل عمومیت دارد، و هر کسی خود را محتاج کمک می بیند، همه مردم در این امر خیر شرکت خواهند کرد.

3ـ پرداخت وام های قرض الحسنه برای ازدواج

قرض الحسنه که یکی از سنت های خوب و گره گشای اسلامی است و در آیات فراوانی از قرآن به آن تشویق و تأکید شده18، تاثیر فوق العاده ای در حل مشکلات اقتصادی جامعه دارد. اگر این سنت حسنه که امروز در گوشه و کنار جامعه تحت عنوان «وام ازدواج» وجود دارد، گسترش یابد و به این طریق وام های طولانی مدت و کم بهره به جوانان برای ازدواج و تهیه وسایل زندگی داده شود، چنانکه از برنامه های مهم دولت جدید شمرده شده است، کمک زیادی به ازدواج جوانان و در نتیجه کاهش سن ازدواج، خواهد شد.

4ـ ایجاد شغل های پاره وقت در دوران تحصیل و مانند آن

امروز دغدغه اصلی جوانان و به ویژه دانش جویان، اشتغال است. متاسفانه آموزش و پرورش و آموزش عالی ما طوری برنامه ریزی نکرده که همه فارغ التحصیلان خود را به ابزار و فنون شغلی مجهز کند. همان طور که نیروی نظامی نتوانسته برای سربازان وظیفه که خیل عظیمی از جوانان کشورند، در این زمینه کاری کند و حداقل هر یک از آنان را در مدت سربازی به فن یا صنعتی مجهز کند. البته کارهایی در تحقق این هدف انجام شده، ولی اصلاً کافی نیست. فی المثل اگر دانشجوی جوان ما، بتواند در خلال تحصیل، شغل مناسبی داشته باشد، می تواند بسیاری از هزینه های زندگی خود را تأمین کند. لازمه این کار این است که آموزش های کاردانی و کاربردی در طول تحصیل گسترش یابد و تعداد واحدهای نظری کاهش پیدا کند.

5ـ تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین

در زمان های گذشته اکثر جوانان، ابتدای زندگی خود را در کنار والدینشان آغاز می کردند و به مرور زمان سعی می کردند با پس انداز و امثال آن، از پدر و مادر خود مستقل شوند، اگر بتوان این فرهنگ را دوباره زنده کرد و جوانان و خانواده هایشان را به پذیرش این امر تشویق کرد، کمک زیادی به حل مشکل ازدواج می شود.

ج) راهبردهای اجتماعی

از آنجا که اجتماع و جامعه، مجموعه ای متشکل از واحدهای کوچک ترِ خانواده است، بهترین جایگاه کمک به ایجاد خانواده و فراهم ساختن ازدواج جوانان، خود جامعه است. از این رو برای حل مشکل ازدواج جوانان و جلوگیری از افزایش سن ازدواج، چاره ای جز همکاری و همیاری همه افراد و آحاد جامعه، وجود ندارد. راهبردهای اجتماعی که می توان در این زمینه ارائه دارد، از قرار زیر است:

1ـ فراهم کردن شرایط ازدواج آسان

دولتمردان و متصدیان اجتماع وظیفه دارند برنامه دقیقی برای حل این مشکل ارائه دهند. همچنین با تشویق مردم، خصوصاً افراد متمول، جوانان را در این امر یاری دهند. مسلماً اگر دولت و مسئولان امر قدمی در این راه بگذارند، همه مردم به کمک آن ها می شتابند، زیرا این یک مشکل همگانی است و همه افراد به گونه ای با آن درگیر هستند.

2ـ گسترش مراکز مشاوره ازدواج

یکی از دلایلی که جوانان را از ازدواج دور کرده است، نداشتن اطلاعات صحیح از ازدواج و وجود بدبینی های بی مورد است. بسیاری از جوانان نسبت به اصل ضرورت ازدواج بی اطلاعند و برخی هم از افکار ناصحیح و خرافی در این مورد رنج می برند. وجود مراکز مشاوره ازدواج، کمک شایانی به جوانان می کند و دغدغه های بی مورد آنان را برطرف می سازد.

3ـ کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها

از بین تمام خسارت ها و ضررهایی که در مهاجرت روستاییان به شهر وجود دارد، مشکل افزایش سن ازدواج، جایگاه ویژه ای دارد. اگر بتوان با افزایش امکانات زندگی در روستاها و ایجاد اشتغال برای آنان، از مهاجرت آن ها جلوگیری کرد و آنان را به ماندن در روستا و تولید محصولات کشاورزی و دامی و امثال آن تشویق نمود، علاوه بر حل بسیاری از مشکلات اجتماعی، از افزایش سن ازدواج نیز جلوگیری خواهد شد.

4ـ جلوگیری از بی بند وباری و ابتذال و فساد اخلاقی

یکی از راه های پیشرفت در جامعه ما اجرای قانونی اساسی و جلوگیری از متخلفین و برهم زنندگان نظم و قانون است. اگر از فساد و ابتذال، خصوصاً در حوزه اخلاق و مسائل جنسی جلوگیری نشود و با افراد متخلف برخورد جدی صورت نگیرد و در مقابل تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمن، سیاست تسامح و تساهل اجرا شود، جامعه چنان دچار آشفتگی می شود که اولین ضرر آن متوجه نهاد مقدس خانواده می شود و جایگاه آن را تضعیف می کند. امروز کم نیستند جوانان پاک و مؤمنی که شریک زندگی مناسبی برای خود نمی یابند. تأثیر مخرب گسترش فساد و فحشا و ابتذال و مخصوصاً مواد مخدر بر تزلزل کانون خانواده و بدبینی جوانان به ازدواج، بر کسی پوشیده نیست. اگر متصدیان اجتماع برای مبارزه با مفاسد اخلاقی کمر همت ببندند و این دام های خطرناک را از جلوی جوانان بردارند، برکات زیادی نصیب جامعه خواهند کرد که یکی از آن ها هموار شدن راه ازدواج جوانان است.

به امید آن که با همت تمام نیروها و ملت و دولت، به زودی شاهد آن باشیم که جوانان عزیزمان، این سرمایه های بی نظیر کشور، در امر ازدواج مشکلی نداشته باشند و با نشاط و انگیزه و امید، آینده ای روشن و موفق برای خود و دیگران بنا کنند.

منابع:

1ـ روم/ 21.

2ـ بحارالانوار، ج 10، ص 93.

3ـ محجة البیضاء، ج 3، ص 54 .

4ـ بحارالانوار، ج 100، ص 221.

5 ـ میزان الحکمه، ج 4، باب 1634.

6 ـ بحارالانوار، ج 100، ص 217.

7ـ نورالثقلین، ج 3، ص 597 .

8 ـ کنزالعمال، ج 16، حدیث 44448.

9ـ بحارالانوار، ج 16، ص 223.

10ـ روزنامه جوان، تاریخ28/7/81 .

11ـ روزنامه کیهان، تاریخ 17 تا19/4/80 .

12ـ ر.ک: ایمانی، محسن، مجله اصلاح و تربیت، شماره 63 .

13ـ نور/32.

14ـ روزنامه کیهان، تاریخ 17 تا 19/4/80 .

15ـ روزنامه های 21 آبان 1382.

16ـ ر.ک: بحارالانوار، ج 100، ص 218 تا 225.

17ـ پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در روایتی فرمود: کسی که از دین و اخلاق خوبی برخوردار است، اگر به خواستگاری دختر شما آمد، به او همسر بدهید، زیرا اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد کرده اید. (وسایل الشیعه، ج 20، ص 86).

18ـ ر.ک: بقره/245، مائده/ 12، حدید/ 11 و 18، تغابن/ 17 و مزمل/ 20.